

جنبش براندازی ملت ایران به پیروزی نزدیک می شود

– سازمان پارس و شورای براندازی به تمام خائنین و مزدوران ستون پنجم رژیم هشدار می دهد.

– چگونه این افراد توانستند به نام رهبر سیاسی، روشنفکر، پژوهشگر، تاریخ شناس، شخصیت های فرهنگی، روزنامه نگار، مخبر، برنامه ساز، جنین ستمها و خیانتها را بر ملت ما روا دارند و در استمرار و تحکیم حکومت مرگ و تباهی اسلامی کوشا باشند.

– براندازی از نظر ما با قیام ملی که بزودی روی خواهد داد انجام خواهد گرفت.

– اکنون مابین سازمان پارس و شورای براندازی با ملت ایران و اپوزیسیون واقعی همبستگی و اتحاد کامل وجود دارد.

بعد از گذشت نزدیک به یک ربع قرن از شورش خائنین، مزدوران و فریب خوردگان برای ویران کردن ایران اهورائی که نتایج آن بر مردم ایران و جهان کاملاً آشکار می باشد، همواره مقوله ای به نام ستون پنجم توانسته است حرکت آزادی خواهانه مردم را به بیراهه بکشد و در شرایطی که 90% از مردم میهن ما مخالف حکومت مستبد و جانی هستند باز نتوانستند این رژیم را سرنگون سازند چرا!

ستون پنجم رژیم متشکل است از مزدوران آن، در ایران و در خارج و بدلیل حمایت مالی و معنوی از جانب حکومت اسلامی، استعمارگران و دشمنان ایرانزمین این افراد در رادیوها، تلویزیونها، روزنامه ها، انجمنهای فرهنگی، گروههای سیاسی در داخل و خارج ایران نفوذ کرده اند و تعدادی از آنها را نیز بوجود آورده اند و برای استمرار و تحکیم این حکومت جانی و دزد از هیچ گونه خیانتی روی گردان نبوده و نیستند و ننگ و نکبت این حکومت را برای مردم سیاه روز میهن ما به ارمغان آورده اند.

این مزدوران از تمام ترفندهای حکومتی و عناصر وابسته به آن حمایت و تبلیغ کرده اند و تا امروز توانسته اند جنبش براندازی ملت ایران را که از همان روزهای نخست بعد از شورش آغاز شده بود به انحراف بکشانند!

ما اکنون به این عوامل و مزدوران ستون پنجم رژیم و کسانی که برای ادامه زندگی کثیف و نکبت بار خود با خفت و خواری با قبول و جوهی از حکومت ضد ایرانی خود را در اختیار دشمنان ایرانزمین گذاشته اند و راه خیانت را علیه فرزندان میهن ما می پیمایند هشدار می دهیم:

سازمان پارس و شورای براندازی و ملت ایران فراموش نخواهند کرد، که اینها در فریب دادن مردم و انحراف جنبشهای آزادی خواهانه و رهائی بخش مردم میهن ما نقش بزرگی را ایفا کرده اند و باعث استمرار کشتار، شکنجه و سنگسار میهن پرستان و فرزندان میهن ما بوده اند و از سوی دیگر باعث تباهی روحی و شخصیتی ملت بزرگ ایران و نابودی اقتصاد کشور و ایجاد فقر و فساد در میان مردم شریف ما بوده اند، اینها چگونه جوابگو خواهند بود؟

این افراد در صورتی که شیوه رفتار ضد مردمی خود را تغییر ندهند از هیچ گونه بخششی از طرف ملت غیور ایرانزمین برخوردار نخواهند بود و بشدت مجازات خواهند شد.

مردان سیاسی و نویسندگانی که موضع گیری ایشان در مورد خمینی، رفسنجانی، خاتمی و دیگر عوامل و عناصر پلید خیمه شب بازی رژیم (مدعیان اصلاح طلبی و عناصری چون طبرزدی، اکبر گنجی و دیگر مهره های رژیم) بی تفاوت و یا دوستانه بوده است جوابگو خواهند بود.

در شرایطی که نزدیک به یک میلیون فرزندان میهن ما در زندانها شکنجه می شوند و هر روز صدها تن دچار نقص عضو شده و یا اعدام می شوند و فساد و فقر و اعتیاد و فحشا همه جاگیر شده

است و همچنین تعداد کودکان خیابانی در ایران به حدود یک میلیون تن رسیده است و جوانان ما آینده ای تاریک و ناامیدانه در پیش روی دارند اینها چگونه جابگو خواهند بود؟

چگونه این افراد توانستند به نام رهبر سیاسی، روشنفکر، پژوهشگر، تاریخ شناس، شخصیت‌های فرهنگی، روزنامه نگار، مخبر، برنامه ساز، چنین ستمها و جنایتهایی را بر ملت ما روا دارند و در استمرار و تحکیم حکومت مرگ و تباهی اسلامی کوشا باشند!! و چه آسان و ارزان خود را می فروشند و در نابودی فرزندان کورش و داریوش و سرزمین اهورائی همدست دشمنان ایرانزمین می شوند؟

کسانی که مبارزه مسالمت آمیز را بصورت بیانه، مانیفست و فراخوان برای اتحاد مطرح می سازند، باید بدانند که این روش بیانگر چگونگی مبارزه برای نجات ایران از چنگال این شیاطین مذهبی نیست و با مقوله براندازی و رهائی ایرانزمین و خواست واقعی مردم ایران تفاوت فاحشی دارد و هیچ گونه ارتباطی مابین اینگونه فعالین و هواداران مبارزه مسالمت آمیز و ملت پیا خاسته ایرانزمین وجود ندارد.

واقعیت آن است که اکثر امضاء کنندگان این بیانیه ها و فراخوان ها و طراحان اتحاد و وحدت مخالف سرنگونی این حکومت کشتار هستند و بواسطه همبستگی ها و منافع مشترکشان با حکومت، موافق مشروط آن هستند و برای اینکه بالاخره این شرط پذیرفته شود تز مبارزه مسالمت آمیز و نافرمانی مدنی و فراندنم در داخل رژیم با ناظران بین المللی را برای حفظ رژیم مطرح نموده اند.

در یک کشوری که مدنیت وجود ندارد و روابط اقتصادی و اجتماعی مستبدانه حاکم است و احتیاجات حکومت از طریق اقتصاد تک محصولی بر پایه فروش نفت و چپاول ثروت های ملی رفع می شود نافرمانی مدنی هیچ آسیبی به حکومت نخواهد زد و این ترفند دیگری است؟

از نظر ما فراندنم بعد از براندازی حکومت اسلامی قابل برگزاری است و در آن نمایندگان واقعی مردم ایران و رهبران سیاست و احزاب میهنی ناظر خواهند بود، و از تمام روزنامه نگاران جهان برای درج خبر فراندنم دعوت خواهد شد.

مقوله فراندنم یا همه پرسی معمولاً از نظر سیاسی در مواقعی صورت میگیرد که کشور در بن بست قرار گرفته که حکومت یعنی مجموعه قوای مجریه، قضائیه و مقننه نمی توانند برای آن مشکل راه حل بیابند و چون مشکل از نظر ملی سرنوشت ساز است تصمیم گرفته می شود که در این زمینه رأی مستقیم مردم را داشته باشند و معمولاً پاسخ فراندنم یکی از دو مورد سؤال است که یا انتخاب یک مورد است و یا گفتن بلی یا نه.

حال می پردازیم به اینکه از مدتی قبل از انتخابات این مسئله فراندنم مورد بحث قرار گرفت تا امروز من به خاطر نمی آورم که هیچ یک از پیشنهاد دهندگان فراندنم در ایران موضوع آن، نحوه برگزاری آن و تاریخ آن را مشخص کرده باشند.

یعنی اینکه نگفته اند در مورد چه موضوعی باید فراندنم شود.

از جمله در مورد ولی فقیه یا حکومت اسلامی که دو مشکل اصلی مردم ایران است. اگر قرار باشد در این دو مورد فراندنم شود چه مقامی باید این فراندنم را برگزار کند. حکومت اسلامی یک بار چنین فراندنی برگزار کرد هنگامیکه در موضع قدرت بود گفت مردم حال من باشم یا رژیم قبلی که جواب مثبت خود را هم گرفت که به صورت یک رژیم ستمگر خون آشام بسیار نیرومند در مقابل مردم در آمده. شما چه انتظاری دارید که حکومت فراندنم کند که من بمانم یا دیگری بیاید یعنی دمکراسی بیاید که این به نظر من ابلهانه ترین تعبیر سیاسی است از چنین فراندنم و یا برای مثال از ولی فقیه که ستون وسط خیمه حکومت اسلامی است اگر این موجود فرمایشی و جعلی را از این حکومت بگیرید چیز دیگری برایش نمی ماند و تمام حکومت دچار فروپاشی می شود.

تصور اینکه در این زمینه از این حکومت توقع داشته باشیم که فراندنم کند این هم بی منطق و غیرعقلانی است.

اما باید توجه کنیم که از نظر حقوق بین المللی سیاسی و منشور سازمان ملل تمامی کشورها، در محدوده تمامیت ارضی خودشان در حکومت کردن و اداره کشورشان آزادند و هیچ دولت یا نهاد بین المللی نمی تواند در امور داخلی کشورها دخالت کند.

حال که پذیرفتیم که حکومت اسلامی چنین فراندنی را برگزار نخواهد کرد اگر فرض که بشود با توسل به مقامات بین المللی ملت محروم و ستم دیده ایران میتواند آنها را وادار کنند که دولت ایران را مجبور نماید تا چنین فراندنی را تحت نظارت ناظرین بین المللی به عمل بیاورد این هم صریحاً با اصول حقوق بین الملل عمومی و روابط سیاسی جاری بین ملتهای جهان مغایرت دارد و عملی نیست.

متأسفانه برخی از سیاست مداران ما با نمونه برداری از بعضی از کشورهای وحشی افریقائی و

بیان جملات کلیشه ای از جمله رفراندم تحت نظارت ناظرین بین المللی را به عنوان الگو برای ایران پیشنهاد می کنند در حالی که نه ایران افریقاست و نه حکومت اسلامی از نوع آن حکومتی نظامی افریقائی است.

همبستگی
روش گفتاری و کرداری ما همبستگی و اتحاد اپوزیسیون واقعی ملت ایران را امکان پذیر کرده است و اکنون مابین سازمان پارس و شورای براندازی با ملت ایران و اپوزیسیون واقعی همبستگی و اتحاد کامل وجود دارد.

با نگاهی از اپوزیسیون در می یابیم که مجموعه ای است از حزبها، گروههای سیاسی، جنبشها و افرادی که دارای یک نوع خط فکری و مشی مبارزاتی می باشند. اپوزیسیون با چنین ترکیبی در مقابل خود یک دشمن دارد که هدف او سرنگونی آن دشمن و جایگزینی حکومت است با باورهای فکری خودش.

اپوزیسیون اگر نگوئیم در همه موارد لااقل در بسیاری موارد بیش از آنکه با دشمن مخالفت می ورزد با سایر گروههای تشکیل دهنده اپوزیسیون اختلاف فکری دارند. اما در شرایط فعلی می توانیم اپوزیسیون ایرانی خارج کشور را به چهارده گروه شناخته شده تقسیم کنیم:

یکی جبهه ملی است که گذشته از انشعابات متعدد و از دست دادن وحدت و تمرکز فرماندهی با جهت گیری جدید دیگر آن جایگاه و پایگاه را در اپوزیسیون خارج کشور ندارد. مشروطه خواهان و تمامی طرفداران حکومت قانون که طیف سلطنت طلب و هواداران فلسفه فرهنگی، سیاسی، تاریخی پادشاهان را در بر می گیرد که نقاط مثبت و منفی مبارزاتی این گروه یکی همان است که گریبانگیر جبهه ملی شده یعنی از دست دادن وحدت و تمرکز فرماندهی که موجب می شود نیروهای بسیار میهن پرست در جهات مختلف سمت و سو بگیرد و هدر رود. در صورتی که اگر این نیروها چون یک دایره دارای مرکزی باشد و تمام جهت گیری آن بسوی آن مرکز باشد بصورت نیروئی بسیار سهمگین در مبارزه با دشمن او درخواهد آمد. اما نقطه بسیار روشن و مثبت در این گروه آن است که خواستههای آنها ریشه در تاریخ و تمدن ایران دارد و قانون اساسی مشروطیت ایران نه تا بحال بلکه قرنهای بعد نیز از بهترین قوانین اساسی جهان محسوب می شود.

جنبش چپ
دوران پیدایش و شکوفائی همبستگی چپ در ایران از یک قرن می گذرد. این جنبش با اینکه متکی به نوعی فلسفه علمی بسیار غنی جهان می باشد و هدف آن عدالت اجتماعی و اقتصادی است به دو علت در ایران پا نگرفته است: نخست اینکه بافت سیاسی و اجتماعی مردم ایران آماده پذیرش منشورهای آنها نیست و دوم اینکه با برخی عمل کردهای سیاسی بویژه در دهه اول و دوم پس از جنگ جهانی دوم در فضای سیاسی ایران در باره روشهای سیاسی آنها تعبیرهای مناسبی نمی شود البته پس از فروپاشی اتحاد شوروی این جنبش در ایران نظیر تمام کشورهای جهان دچار تفرقه، جدائی و چند شعبه گرایی شد. در خارج از کشور مبارزات تئوریک جنبش چپ قابل ملاحظه بوده است ولی آیا سؤال آن است که از نظر اکسیون تا چه اندازه با روشهای انقلابی مورد قبول آنها توانسته اند در ایران رژیم را مورد حمله و تزلزل قرار دهند سؤال همین جاست.

گروههای متفاوتی که تحت عناوین مختلف از راست راست گرفته تا چپ رادیکال که با حکومت اسلامی مخالف هستند پس از انقلاب بسیاری از میهن پرستان به این نتیجه رسیدند که تفرقه اپوزیسیون آب به آسیاب دشمن ریختن است و با تمام نیرو تلاش کردند که آنها را با یکدیگر همبسته و متحد کنند ولی تمام این مردم میهن پرست و خوش دل نتوانستند به چنین هدفی برسند چرا؟

چون هر یک از گروههای اپوزیسیون در نظر داشت که هویت سیاسی خود را حفظ کند و در آن مجموعه که می بایستی شورایی می بود و عنوان رهبر داشته باشد بوجود نیامد در حالی که از این تجربه تلخ نزدیک به یک ربع قرن جنبش ما به این نتیجه رسیده است که اتحاد کارکردی در اپوزیسیون عملی نیست، چرا که هر گروه سیاسی در اجرای تاکتیکهای خود میل دارد مستقل باشد و زیر چتر دیگری قرار نگیرد. ولی همگی با رهبری شورایی برای براندازی موافقت دارند.

ما گفته ایم همبستگی و همسو شدن در هدف که همان استراتژی تعیین کننده وجود اپوزیسیون واقعی است که آن سرنگون کردن حکومت اسلامی برای ایجاد دموکراسی و مردم سالاری در ایران است. ما براندازی را مرکز همبستگی و اتحاد قرار دادیم چرا که اگر مختصری از این راه منحرف شوند بخوبی شناخته می شوند که ایشان به نوعی در مجموع همبستگی، یک تافته جدا بافته هستند.

با این سیاست سازمان پارس و شورای براندازی به نتایج مطلوب دست یافته است و توانسته است اپوزیسیون واقعی را در هدف براندازی همسو نماید و جنبش براندازی را که خواست واقعی ملت ایران است هدایت کند.

ما همواره در حال یارگیری و افزایش انسجام نیروهای مبارزه و برانداز درون و برون مرز هستیم، و با همسو نمودن اندیشه و بیان و کنش این نیروها در ایجاد یک شورای رهبری مؤثر خواهیم بود، شورائی که میتواند بعد از براندازی از ایجاد هرگونه دیکتاتوری و سودجویی فردی یا گروهی جلوگیری کند. و ملت ما در یک فضای باز سیاسی و با مهر و دوستی بین ایرانیان از هر گروه و دسته و حزب سیاسی، برای آینده سرزمینشان تصمیم خواهند گرفت و فردائی پربار و سرافراز را برای خود و نسلهای آینده ایران بنیان خواهند گذاشت.

مکانیزم و روش براندازی و زمینه سازی دموکراسی بطور کلی انقلاب دگرگونی بنیادین یک سیستم است که در آن رژیم حاکم دچار فروپاشی می شود و نظام دیگری به جای آن می آید. انقلاب یک حرکت تخریبی و بنیان برافکن است که طرفداران آن با نظام سابق دشمنی و خصومت دارند و نوعی حرکت عمودی است که شرایط اجتماعی سیاسی یک جامعه در اثر آن بهبود یابد، اما، اصلاح آن است که در درون یک نظام و از نظر عمل کرد گروههای سیاسی مخالف موجود باشند و در نظر داشته باشند که بخشی از قوانین یا مقررات و یا سازماندهی و یا مدیریت جامعه را تغییر دهند تا در جهت بهتر شدن منافع و مصالح مردم باشد. اینکه خاتمی می گوید من می خواهم اصلاحات کنم دو اشکال دارد: نخست اینکه او نمی داند انقلاب را که در ذات خودش اصلاح پذیر نیست بلکه تخریبی است اصلاح کند و تا هنگامی که این حکومت فضای انقلابی را در جامعه حفظ کند هیچ گونه اصلاحی عملی نیست و بعد اینکه او با این شعار فقط می تواند دردهای مردم ایران را از طریق گفتار درمانی معالجه کند به همین علت در همین هفت سال حتی یک بار نتوانست بگوید می خواهد چه چیز را اصلاح کند چون از نظر مردم ایران اولین چیزی که باید اصلاح شود حذف ولی فقیه از فرهنگ سیاسی ایران است. ولی حال می بینیم که او خودش نسبت به ولی فقیه حالت نوکر منشی دارد و همواره در روی همین پاشنه گردیده است و یا باید خوش باور و ساده اندیش باشیم که تصور کنیم که او می خواهد اصلاحات کند.

برخی در داخل ایران و حتی در خارج معتقد هستند که باید قانون اساسی تغییر کند. در اینجا باید به یک نقطه بسیار دقیق توجه کرد و آن این است که این افراد بطور ضمنی کادر کلی رژیم را قبول دارند یعنی طرفدار حکومت اسلامی هستند و می خواهند تغییری در سطح افقی پیدا شود مثلاً یک اصل با اصل دیگر حذف شود یا اضافه گردد که این هم دردی از ملت ایران دوا نمی کند.

اما براندازی در ظاهر بنظر می رسد که یک عمل مسلحانه و انقلابی است ولی چنین نیست در عمل سیاسی، مردمی و دموکراتیک است ولی در نتیجه دگرگون کننده و سازنده است و از قیام همگانی مردم و حمایت نیروهای مسلح ملی سرچشمه خواهد گرفت. حال به چه وسیله می شود این حکومت را منقرض کرد؟

1 - با کودتا: به هیچ وجه از نظر کارشناسان سیاسی و استراتژیک جهان مورد توصیه نیست و تجربه های تلخ چند حرکت کودتاگرانه حرکت قبلی نیز هنوز از خاطر ما مردان سیاسی نرفته است و به هیچ وجه راضی نخواهیم شد که ایران لبنان دیگری بشود.

2 - از طریق انقلاب: که معمولاً در جهان اگر یک انقلاب نتیجه خوب داشته باشد مردم آن کشور دوباره انقلاب نخواهند کرد و اگر نتیجه بد هم داشته باشد باز هم انقلاب نخواهند کرد چون آثار بد و پلید انقلاب قبلی آنها را از هر چه انقلاب باشد بیزار و متنفر کرده است و دیگر به هیچ وجه انقلاب نخواهند کرد درست مثل انقلاب در ایران. آنها که در ایران و جهان از الف بای علوم سیاسی آگاهی دارند بخوبی می توانند این نظریه را تأیید کنند که تا چه حد مردم ایران از انقلاب روحانیان که خود متولی آن می دانند نفرت دارند.

3 - از طریق شورش: بطور کلی شورش های محلی سازمان نیافته قابل سرکوب گری است. گاهی در بعضی از کشورهای آمریکای لاتین دیده شده است که برخی از این شورشهای محلی به نتیجه کلی در سطح جامعه رسیده است که در کشور ما با توجه به ابعاد جغرافیایی و بسیاری ویژگی های سیاسی تاریخی چنین حرکتی هرگز مورد توجه و نتیجه بخش نیست.

- اما براندازی از نظر ما با قیام ملی امکان پذیر است و بزودی انجام خواهد گرفت. ما امروز به نوعی تاکتیک و برنامه ریزی احتیاج داریم که پایه های این حکومت سنیزه جو را به لرزه درآورد و قیام ملی را بوجود آورد و در انتها براندازی صورت گیرد.

ملت ایران اطمینان دارد که تا زمانی که براندازی این حکومت ضدایرانی صورت نگرفته است، ما و نسلهای آینده هرگز روی خوشی و شادی را نخواهیم دید. آینده زمانی بر ما ایرانیان لبخند

خواهد زد که گریبان مام میهن را از چنگال خون آلود این دشمنان ایران نجات بخشیم. کسانی که فعالیت سیاسی منفی کرده اند نه مبارزه مثبت سیاسی برای سرنگونی حکومت و همواره براندازی را محکوم کرده اند نمی توانند کادر رهبری مناسبی در جنبش براندازی ملت ایران باشند.

تاکتیکهای ما در جنبش براندازی آنست که تمام مردم ایران با توجه به آگاهی های سیاسی و اجتماعی و تجربیات مبارزاتی برای رهائی دارند و با رهنمودهای شورای براندازی آنچنان تجهیز و بسیج شوند که با یک حرکت تند و سریع در یک قیام همه جانبه ملی رژیم را سرنگون سازند، تا زمینه استقرار حاکمیت ملی فراهم شود. دشمنان ما بدانند تا روزی که شیرزنان و آزادمردان دلاور ایران زمین می خروشدند خواب راحت نخواهند داشت و سرزمین اهورائی را از شر دزدان و قاتلان پاک خواهند کرد.

هم اکنون مبارزات سازمان پارس و شورای براندازی از مرحله سیاسی و گفتاری به مرحله عملیاتی خود نزدیک می شود و بزودی ضربات کشنده ای بر پیکر کنثیف و فاسد این حکومت شیطانی فرود خواهد آورد و با همراهی تمامی ملت ستم دیده ایران بزودی روز قیام ملی را گرامی خواهیم داشت و جنبش براندازی ملت ایران پیروز خواهد شد و در پیرو آن، امنیت، آرامش، رفاه، عدالت و غرور و افتخار به سرزمین اهورائی سایه خواهد افکند.

پاینده ایران
